





طلاق عاطفی

مؤلفین:

حسین غلامی بصیر

نیوشا افتخاری

سکینه زهیری



نام کتاب : طلاق عاطفی
مولفان : حسین غلامی بصیر - نیوشا افتخاری - سکینه زهیری
ناشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۰
چاپ : مدیران
قیمت : ۵۲۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۶۹۳-۳
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

۷	پیشگفتار.....
۱۱	فصل اول: طلاق عاطفی.....
۱۲	پیش درآمدی بر طلاق عاطفی.....
۱۵	طلاق عاطفی کی رخ می‌دهد؟.....
۱۶	ریشه طلاق عاطفی.....
۱۹	مفهوم طلاق.....
۲۰	طلاق و انواع آن.....
۲۳	طلاق در ادیان مختلف.....
۲۹	تعاریف طلاق عاطفی.....
۳۲	مراحل طلاق عاطفی.....
۳۴	علل و عوامل طلاق.....
۴۰	دلایل شایع طلاق عاطفی در جامعه امروز.....
۴۲	آثار طلاق عاطفی.....
۴۵	آمار مربوط به طلاق عاطفی.....
۵۰	مهم‌ترین دلایل حفظ یک رابطه زناشویی.....
۵۰	بحران ارزش‌ها.....
۵۴	روش‌هایی برای جلوگیری از بروز طلاق عاطفی.....
۵۶	پیشگیری از طلاق عاطفی.....

فصل دوم: نظریه‌های مرتبط با طلاق عاطفی ۵۹

نظریه سرمایه اجتماعی بوردیو ۶۰

نظریه همسان همسری ۶۳

نظریه ناهمسان همسری ۶۹

دیدگاه کارکردگرایی ۷۲

نظریه مبادله ۷۷

نظریه بی‌هنجاری (آنومی) ۸۸

نظریه کوهن ۹۴

دیدگاه گیدنز ۹۵

نظریه‌ی سیستمی کیفیت زناشویی مارکز ۹۶

نظریه‌ی مثلث عشق استرنبرگ ۹۷

نظریه‌ی نظم خرد چلبی ۹۸

فصل سوم: زوج درمانی ۱۰۱

زوج درمانی چیست؟ ۱۰۲

مراحل زوج درمانی ۱۰۳

الگوهای زوج درمانی ۱۰۴

زوج درمانی رفتاری تلفیقی (IBCT) ۱۰۵

مدل پریشانی و درمان زوجین ۱۰۶

اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر شادکامی ۱۲۱

فصل چهارم: تکنیک‌های زوج درمانی ۱۳۰

زوج درمانی گروهی به شیوه‌ی کلاس ۱۳۱

۱۵۱	تکنیک‌های زوج درمانی.....
۱۵۱	تکنیک‌های دکتر محمدعلی بشارت.....
۱۶۸	تکنیک‌های زوج درمانی گاتمن.....
۱۷۴	همین حالا به زوج درمانگر مراجعه کنید.....
۱۷۶	پنج ویژگی‌های زوج درمانی مؤثر.....
۱۷۸	برای شروع مجدد رابطه زناشویی تلاش قابل توجهی لازم است.....
۱۸۴	ایجاد نگاهی نو در رابطه با مشاوره زوج درمانی.....
۱۸۵	سؤالات زوج درمانی.....
۱۸۸	مشاوره زوج درمانی و ایجاد توافق در ازدواج.....
۱۹۵	منابع و مآخذ.....

پیشگفتار

خانواده واژه‌ای پر معناست که وقتی به آن فکر می‌کنیم، موجی از احساس و عاطفه را در ما برمی‌انگیزد. خانواده جایگاه آسایش و آرامش و اولین نهاد اجتماعی و بنیان جامعه است. در فرهنگ اسلامی، خانواده به مثابه‌ی نهادی مقدس، بیشترین مسئولیت را در تربیت، تعالی و سعادت انسان بر عهده دارد. اساس تشکیل خانواده و ازدواج در نظام الهی رسیدن به آرامش روان، آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد، رسیدن به کمال انسانی و تقرب الهی است (کاظمی، ۱۳۸۴).

نقطه‌ی آغاز شکل‌گیری خانواده زمانی است که زن و مرد، با هدف تشکیل خانواده با یکدیگر پیمان همسری می‌بندند و ازدواج می‌کنند؛ اما پس از ازدواج، خانواده در یکی از سه مسیر بالندگی، آشفتگی و گسستگی قرار گرفته و شروع به حرکت می‌کند.

قرآن خانواده را آیت بزرگ خداوند می‌داند که مرکز پیدایی و پرورش آرامش، مؤدت و رحمت است، در خانواده‌ی بالنده که دارای این ویژگی است و نیز نقش‌های هریک از

اعضای خانواده در آن مشخص و منسجم است، همسران و فرزندان، اندوه زدا و سرور آفرین همدیگر می‌شوند و به رهبری و پیشوایی پارسایان و شایستگان روزگار می‌رسند.

عوامل گوناگونی پیوند شرعی و قانونی ازدواج را از هم می‌گسلد و همسران را به جدایی می‌کشاند. آشکار شدن ناراستی‌ها و نیرنگ‌ها، پدید آمدن کژرفتاری‌های ریشه دار مانند سوء مصرف مواد، الکل، خیانت، پرخاشگری و خشونت‌های پی در پی، کمبود استقلال و مسئولیت‌پذیری و نیز به کارگرفتن روش‌های ناپسند و غیر کارآمد برای رفع مشکلات و اختلاف‌های قابل انتظار از مهم‌ترین عوامل گسستگی خانواده هستند (روشنی، ۱۳۸۹).

طلاق پدیده‌های اجتماعی است که هر چند در قانون پیش بینی شده است؛ اما در ایران وجهه‌ی خوشایندی ندارد. زوجی که دچار مشکلات متعددی در زندگی مشترک خود می‌شوند و اختلاف و تنش در خانواده به وجود می‌آورند، ممکن است راه طلاق و جدایی را در پیش گیرند؛ اما مسلماً هر دوی آنان باید پیامدهایی که این طلاق رسمی برای آنان به ارمغان می‌آورد را بپذیرند. لازم به ذکر است که این پیامدها در مورد زن بیش از مرد است (بخارایی، ۱۳۸۶)؛ بنابراین ممکن است زن و شوهر با توجه به پیامدهای طلاق، از وقوع طلاق رسمی جلوگیری کنند اما در ادامه‌ی زندگی مشترک خود، نوع دیگری از طلاق را در پیش گیرند که «طلاق عاطفی» نامیده می‌شود.

در بسیاری از موارد، زنان و شوهران ناسازگار به خاطر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی از هم جدا نمی‌شوند، اما خانواده به جای آن که کانون پر طراوت شادی و امید باشد، به سرزمین آشفته و رنج آفرینی تبدیل می‌شود که تندرستی، آرامش، پاکی و مسئولیت ساکنان خود را آرام آرام گرفته و از بین می‌برد. اگر افراد خانواده، به ویژه زن و شوهر، پیوسته درگیر مشکلاتی مانند سکوت‌های درازمدت، برخوردهای آزار دهنده‌ی کلامی و جسمی، فاصله گرفتن عاطفی و جسمی از یکدیگر، ناهماهنگی‌های فکری و عقیدتی، بیماری‌های روانی و روان تنی متناوب، ناخشنودی جنسی و کاهش تدریجی عزت نفس باشند، با نشانه‌های اصلی خانواده آشفته رو به رو هستیم که چنین وضعیتی را می‌توان طلاق عاطفی نامید.

براساس آنچه بیان شد، در این کتاب قصد داریم به بررسی طلاق عاطفی از دیدگاه‌های مختلف و عوامل مؤثر بر آن پردازیم. امید است این کتاب گامی رو به جلو در بررسی عوامل مؤثر بر طلاق برداشته باشد.

فصل اول: طلاق عاطفی

پیش درآمدی بر طلاق عاطفی

خانواده از نخستین نظام‌های نهادی، عمومی و جهانی می‌باشد که برای رفع نیازهای عاطفی انسان و بقای جامعه ضروری می‌باشد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی، طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگتر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد؛ یعنی زندگی‌های خاموش و تو خالی‌ای که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند.

در جامعه‌ای که طلاق زیاد باشد، افسردگی، مشکلات روانی، محدود و کم شدن روابط اجتماعی و انحرافات رو به فزونی می‌گذارد. همه‌ی این عوامل مانع رشد و پیشرفت افراد و به تبع آن، جامعه خواهد شد (صمدی، ۱۳۹۸).

طلاق به دلایل مختلفی رخ می‌دهد. تقی زاده کهنه شهری در مورد علل طلاق معتقد است: عدم توافق اخلاقی، کراهت زن و مرد از یکدیگر، اختلاف خانوادگی، چند همسری، مسائل

فصل اول: طلاق عاطفی ۱۳

جنسی و جسمانی، اعتیاد، عوامل مادی و اقتصادی، اختلاف سن، بیماری مستمر زوجین، نداشتن فرزند، محکومیت زوجین یا حبس هر نوع جرمی که حیثیت خانواده را به خطر اندازد (حسینی، ۱۳۸۵).

همانگونه که همگان تأیید می‌کنند از شرایط بنیادی لازم برای وجود هر جامعه آنست که هر جامعه باید روش کارآمدی برای برقراری روابط جنسی داشته باشد. روابط جنسی زن و مرد باید چنان شکلی داشته باشد که هر دو جنس فرصت‌های کافی برای کنش متقابل داشته باشند. در همه‌ی جوامع ازدواج شکل دائم برقراری روابط جنسی است. باتوجه به اینکه جامعه و فرهنگ است که از دوره‌ی کودکی به بعد کل‌های مناسب رفتار را تعیین می‌کند، ماهیت و کیفیت هر ازدواج معینی را «جهان خارج از آن» شکل می‌دهد و این جهان خارج نقش مهمی در تعیین انتظارات و خواسته‌ها ایفا می‌کند (برناردز، ۱۳۸۶).

به عبارت دیگر کیفیت و چگونگی برقراری رابطه‌ی بین دو جنس و همچنین انقطاع رابطه به شدت به زمینه‌ی فرهنگی خاص هر محیط مرتبط است؛ یعنی زمینه‌ی اجتماعی، نقش مؤثری در این فرایندها دارد. باید گفت چون روابط خانوادگی یا خویشی بخشی از موجودیت هر انسان است، زندگی خانوادگی تقریباً طیف کاملی از تجربه‌ی عاطفی را در

بر می‌گیرد. روابط خانوادگی می‌تواند ارضاکننده باشد، اما به همان اندازه هم ممکن است دربردارنده‌ی شدیدترین تنش‌ها و تعارض‌هایی باشد که مردم را به یأس و حرمان بکشاند یا آن‌ها را سرشار از حس عمیق اضطراب و گناه کند (گیندنز، ۱۳۹۷).

پل هانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به رواهی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. به عقیده او زن و شوهر اگر چه ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتمادان ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است (ساروخانی، ۱۳۸۸).

طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود است که زن و شوهر هر کدام آن را تجربه می‌کنند که در آن هر یک از زن و شوهر به دلیل غمگینی و ناامیدی دیگری را آزار می‌دهد.

طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است. همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌کنند و هر کدام به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری است (ساروخانی، ۱۳۸۶).

فصل اول: طلاق عاطفی ۱۵

طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن خانواده صرفاً ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی می‌باشد، در این حالت زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند ولی روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. طلاق رسمی به معنای طلاق عاطفی است یعنی پیش درآمد طلاق رسمی و قانونی، همیشه طلاق عاطفی است.

کم نیستند همسرانی که بنا به دلایلی ترجیح می‌دهند اسماً زن و شوهر باشند ولی رسماً و از نظر فیزیکی از هم جدا هستند و ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها با همدیگر حرف نزده و رابطه زناشویی نیز نداشته باشند. بسیاری از دانشمندان، طلاق عاطفی را مقدمه‌ای بر طلاق قانونی می‌دانند. خاتمه دادن به ازدواج به این سادگی نیست و هر فردی از مراحل عبور می‌کند تا سرانجام به طلاق قانونی برسد.

طلاق عاطفی کی رخ می‌دهد؟

طلاق عاطفی عموماً در سال‌های نخست زندگی رخ نمی‌دهد. در سال‌های نخست هر چقدر هم که معیارهای انتخاب همسر سطحی باشد، میان زن و شوهر کشش‌ها و علایقی

وجود دارد یا حتی اگر علاقه‌ای در این حد وجود نداشته باشد این امید وجود دارد که ممکن است شرایط تغییر کند. معمولاً طلاق عاطفی از سال‌های پنجم و ششم زندگی شروع می‌شود؛ یعنی وقتی که افراد امید به تغییر همسر را از دست می‌دهند و البته از طلاق رسمی هم ناامید هستند و به تدریج فاصله میان آن‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود. در طلاق‌های عاطفی اینگونه نیست که لزوماً دو نفر هیچ ارتباط عاطفی‌ای با یکدیگر نداشته باشند. در نوعی از طلاق عاطفی با توجه به تغییر موقعیت، تغییرات خلقی و روانی که در افراد رخ می‌دهد، ممکن است رابطه بین زوج بهبود پیدا کند یعنی میزان عدم علاقه کاهش یا افزایش پیدا کند اما این بهبود موقت است و با تغییر شرایط دوباره وضعیت به حالت قبلی بر می‌گردد تا جایی که دیگر روابط زناشویی آن‌ها حذف می‌شود و آن‌ها تنها به عنوان دو همخانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (ستوده، ۱۳۸۸).

ریشه طلاق عاطفی

اختلافات زوج‌های جوان دلایل متعددی دارد هر چند برای همه اختلاف‌ها نمی‌توان عدم آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان را به عنوان مهم‌ترین دلیل مطرح کرد اما مواردی چون رابطه صحیح کلامی و مهارت‌های لازم برای سخن گفتن و بیان خواسته‌ها از همسر

فصل اول: طلاق عاطفی ۱۷

از جمله موضوعاتی است که در قالب مهارت‌های زندگی قرار می‌گیرند و بیشتر جوانان ما فاقد آن هستند و همین امر تأثیر فراوانی در بروز اختلافات دارد اما بخش عمده‌ای از اختلاف‌ها به دلیل انتخاب‌های نادرست است چون با وجود مدشدن زندگی رمانتیک! در بسیاری مناطق، هنوز هم ازدواج در ایران امری است که در دایره خانواده انجام می‌شود و نه فرد و نه خانواده او هیچ آموزشی در این باره ندیده‌اند و همه براساس سلیقه خود در این باره اقدام می‌کنند.

وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی زوج به یکدیگر و همچنین داشتن فرزند باعث می‌شود دو نفر پس از آنکه پی می‌برند برای هم ساخته نشده‌اند هم امکان خاتمه دادن به آن پیوند زناشویی را نداشته باشند. مثلاً زن خانه دار است و با خود فکر می‌کند که اگر طلاق رسمی بگیرد نمی‌تواند از نظر اقتصادی مستقل زندگی کند یا می‌خواهد فرزندش آسیب نبیند، طلاق نمی‌گیرد اما گاهی هم نگاه بدی که در جامعه نسبت به طلاق وجود دارد و در برخی مناطق آن را عملی قبیح می‌دانند، طرفین اقدام به طلاق رسمی نمی‌کنند. شاید فکر کنید حفظ چنین زندگی از هم گسیخته‌ای خیلی کم خطرتر از تجربه جدایی واقعی است اما حقیقت آن است که طلاق عاطفی می‌تواند بسیار خطرناک‌تر از طلاق رسمی

باشد. طلاق عاطفی، فشار عاطفی زیادی به زوج وارد می‌کند. این مشکل افسردگی، اضطراب، پریشانی را در پی دارد و بنیان خانواده را سست می‌کند و احتمال خیانت به همسر را افزایش می‌دهد.

در طلاق عاطفی همسران هیچ حس، نشاط و درک متقابلی ندارند و در واقع به اجبار زیر یک سقف زندگی می‌کنند. در چنین خانواده‌ای، زوج مجبورند بدون اینکه تفاهمی داشته باشند زیر یک سقف زندگی کنند، چون نیاز مالی، حضور بچه‌ها و ترس از قضاوت‌های اجتماعی مانع تصمیم‌گیری جدی برای روشن کردن تکلیف زندگی می‌شود، بنابراین اختلاف بین زوج به تدریج باعث دوری و سرخوردگی آن‌ها می‌شود و طلاق عاطفی پیش می‌آید. طلاق عاطفی باعث می‌شود میزان اعتماد افراد به یکدیگر کم و نسبت به یکدیگر دچار سوء تفاهم شوند. افراد خانواده مدام دچار اشتباه شده و به دلیل نداشتن تکیه گاه و مأمّن جدی در زندگی احساس یأس و سرخوردگی می‌کنند و با انواع بیماری‌های روان تنی روبرو می‌شوند. طلاق عاطفی، فشار عاطفی زیادی به آن‌ها وارد می‌کند.

مفهوم طلاق

«طلاق در لغت به معنی جدایی، برطرف شدن و زوال عقد زوجیت و رها کردن از قید نکاح است ولی با توجه به قانون مدنی ایران عبارت است از انحلال قانون ازدواج دائم میان یک زن و یک مرد که با شرایط مقرر در قانون مدنی ایران به اراده‌ی مرد یا به تقاضای زن صورت می‌گیرد» (حسینی، ۱۳۸۸).

«طلاق نوعی گسست، جدایی و اخلال در بنیان‌های اساسی خانواده است که منجر به جدایی همیشگی، همراه لوازم آن می‌شود». در شریعت نیز، گسست پیوند زناشویی به فسخ یا طلاق صورت می‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۸).

طلاق شیوه‌ای نهادینه شده در راه پایان دادن به پیوند زناشویی است. راه‌های دیگری نیز غیر از این وجود دارند: نظیر ترک یکی از زوجین توسط دیگری یا جدایی توافق شده توسط زوجین؛ اما تفاوت طلاق با دو شیوه‌ی دیگر در این است که رسمیت دارد، توسط مقامات دولتی مورد کنترل قرار می‌گیرد، امکان ازدواج مجدد را فراهم می‌سازد و پیش‌بینی‌های لازم (نظیر حضانت فرزندان) در آن صورت پذیر است (صمدی، ۱۳۹۶).

از نظرگاهی دیگر «طلاق به زبان ساده مکانیسمی است قرار دادی و در اکثر جوامع پذیرفته شده، این مکانیسم اجتماعی به زن یا مرد و در صورت توافق به هر دو امکان می‌دهد تا تحت شرایطی و طی مراحل پیوند زناشویی خویش را گسسته، به راه خود روند و زندگی جدیدی را تجربه کنند. از این رو طلاق در نقطه‌ی مقابل ازدواج (آن هم یک قرار داد اجتماعی پذیرفته شده‌ی دیگر) قرار می‌گیرد و نفی آن به حساب می‌آید» (مجتهد زاده، ۱۳۹۰).

طلاق در حقوق ایران عبارت است از انحلال نکاح دائم با تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده‌ی قانونی او (ملک زاده، ۱۳۸۷).

طلاق و انواع آن

طلاق عاطفی

جدایی عاطفی و احساساتی با آن همراه است. در این نوع طلاق افراد احساس می‌کنند که احساسات خودشان و شریک زندگیشان از هم جدا شده است، در این مرحله و نوع از طلاق افراد احساس خشم و ناامیدی می‌کنند، این مرحله از طلاق معمولاً قبل از طلاق قانونی اتفاق می‌افتد. در این نوع از طلاق افراد باید به دنبال راه حلی باشند که بتوانند از

فصل اول: طلاق عاطفی ۲۱

طلاق قانونی جلوگیری کنند، مسایلی از قبیل رسیدگی به مسئولیت‌های خانواده، تغییر نقش‌های خانوادگی و به عهده گرفتن نقش‌های مؤثرتر در زندگی در این نوع از طلاق اتفاق می‌افتد. طلاق عاطفی ممکن است زمانی که زوجین دارای فرزند باشند، بیشتر به طول بینجامد. بچه‌های درگیر در طلاق عاطفی ممکن است مسائلی از قبیل خشم، ناراحتی، ترس یا طرد شدن را تجربه کنند.

طلاق قانونی

پایان قانونی ازدواج به وسیله‌ی رأی دادگاه، از نشانه‌های طلاق قانونی پایان ارتباط زناشویی است. طلاق قانونی به افراد اجازه‌ی انتخاب در ازدواج دوباره را می‌دهد. اگر چه افراد ممکن است در این مرحله از طلاق احساس ناامیدی کنند، ولی توصیه‌ها و رهنمودهای حرف‌های یک مشاور در این مرحله می‌تواند برای افراد اثرگذار باشد.

طلاق اقتصادی

تقسیم پول و دارایی، تقسیم دارایی‌ها می‌تواند مشکل‌زا باشد از آنجایی که دو خانوار گران‌تر از یک خانوار می‌باشد افراد ممکن است پول کمتری برای خرج هزینه‌های ناشی

از طلاق داشته باشند. در نتیجه افراد در این مرحله ممکن است نیاز به یادگیری مهارت‌های جدید مالی و تنظیم بودجه‌ی خود بر اساس هزینه‌هایی که دارند داشته باشند.

طلاق هماهنگی میان والدین

مذاکره‌ی والدین به دنبال جدایی زناشویی و تشکیل خانواده‌ی دو هسته‌ای، در این مرحله زوجین باید یاد بگیرند چگونه نقش خود را به عنوان پدر و مادر ایفا کنند، در حالی که رها از نقش همسری هستند.

طلاق اجتماعی

تغییراتی که در ارتباط با دوستان و جامعه میافتد، از آنجا که فرایند طلاق فرایندی ادامه دار است و عواقب و نتایج آن ممکن است تا پایان عمر افراد را رها نکند، افراد طلاق گرفته ممکن است حمایت کمتری را از خانواده و دوستان خود دریافت کنند. در این مرحله افراد ممکن است احساس کنند که افراد کمتری مایل به کمک به آن‌ها هستند وقتی بیشترین احتیاج را به آن‌ها دارند. زوجین طلاق گرفته ممکن است دیگر در کنار دوستان ازدواج کرده‌ی خود احساس راحتی و آرامش نکنند.

طلاق روانی

فرایند ذهنی جدایی و رشد استقلال و مستقل بودن خود، این مرحله جدایی واقعی از شریک زندگی است. در این مرحله افراد یاد می‌گیرند خوداتکا باشند. افراد ممکن است در این مرحله بینششان را به عنوان اینکه چرا تصمیم به ازدواج و طلاق گرفته‌اند را رشد دهند. در این مرحله زوجین باید به جای گذراندن وقت خود برای سرزنش کردن دیگران برای طلاقشان وقت خود را به سازگار کردن خود و شرایطشان برای کنار آمدن با طلاق و ارتباط با دیگران بگذرانند (گیدنز، ۱۳۹۷).

طلاق در ادیان مختلف

آنچه در ورای قانون و هم وجدان جمع جای می‌گیرد اخلاق و اعتقادهای دینی است که در عمق وجدان انسان‌ها جای می‌گیرد و در نهان و آشکار اندیشه و عمل را در کنترل دارد بنابراین در این مبحث طلاق را از دید دین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم.

طلاق در دین زرتشت

در دیانت زرتشت برخلاف کاتولیسیم از سویی و بسیاری از ادیان دیگر جهان. (۱) طلاق به عنوان یک روش در راه قطع پیوند زوجیت پذیرفته شده است. (۲) لیک نهایت کوشش قانون گزار در راه کاهش تعداد طلاق باید به کار آید. (۳) صدور حکم طلاق منوط به رأی دادگاه است و با تصمیم یکی از زوجین تحقق نمی پذیرد. (۴) در جریان حکم اخذ طلاق باید مدتی به عنوان دوران جدایی معرفی گردد که در خلال آن زوجین امکان بازگشت به خانواده را بازببند (ساروخانی، ۱۳۸۵).

طلاق در دین یهود

در دین یهود نیز طلاق در اختیار مردان بوده و مقارن با زمانی است که مرد نسبت به زن خود بی میل گشته و از او منتفر می شده است و زن در مورد مطلق کردن خویش هیچ اختیاری نداشت؛ مرد در چنین شرایطی طلاق نامه ای می نوشت و به دستش می داد و او را از خانه خارج می ساخت. در این طلاق نامه تاریخ وقوع طلاق و سبب آن درج می گردید. ضمناً طی طلاق نامه ی مذکور به زن خود که مطلقه ساخته بود اجازه می داد که بعد از او شوهر دیگری اختیار نماید. همچنین مرد حق داشت تا مادامی که زن، شوهر